

ایزد رشن و جایگاه او در دین زرتشتی

زهره زرشناس*

مریم رشنو**

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی زبان‌شناختی و کارکردی ایزد رشن در دین زرتشتی پرداخته شده است. رشن یا رشنو یکی از ایزدان زرتشتی است که در متون فارسی میانه نقش برجسته‌ای به عنوان یکی از سه ایزد داوری روان بر عهده دارد. رشنو در نوشته‌های پارسی میانه به صورت «رشن» با صفت «راست» آمده است. در این مقاله ابتدا اشتقاق ریشه‌شناختی رشنو مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه به کارکردهای گوناگون این ایزد و سایر ایزدان همکار او در اوستا و متون فارسی میانه اشاره شده است. برای ارائه تصویری جامع‌تر از این ایزد به کارکردهای مشابه با رشن در سنت ودایی و عیلامی/ایلامی نیز توجه شده و در پایان به نمونه‌هایی از کاربرد نام این ایزد در ادبیات فارسی اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: رشنو، رشن، رشن یشت، داوری، ور، عدالت، فرجام‌شناسی.

۱. مقدمه

در یزدان‌شناسی زرتشتی اهورامزدا در رأس سلسله مراتب وجود قرار دارد. پس از او موجودات دیگری حضور دارند که امشاسپندان خوانده می‌شوند و بزرگترین فرشتگان هستند. این فرشتگان اهورامزدا را در امر آفرینش یاری می‌دهند. پس از آفرینش امشاسپندان، اهورامزدا ایزدان را می‌آفریند که هر یک به نسبت جایگاه خود، نقشی ویژه را

* استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، zzarshenas@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
(نویسنده مسئول)، m.rashno@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۵

در نبرد جاودان میان نیروهای خیر و شر برعهده دارند. بعضی از این ایزدان مانند آناهیتا و مهر خدایان پیش‌زرتشتی و باستانی‌اند، گروهی دیگر همچون خورشید و آسمان با پدیده‌های طبیعی مرتبط‌اند و برخی مفاهیم تجریدی و اخلاقی هستند که تشخیص یافته‌اند. رشن نیز از جمله این ایزدان است. در متون زرتشتی این ایزد با صفات گوناگون نامیده شده است و کارکردهای متنوعی را بر عهده دارد.

به لحاظ اشتقاق واژگانی، رشن (اوستایی -rašnu) از ریشه نیا هندواروپایی (Proto-Indo-European) «*h₃reǵ*» به معنی «هدایت کردن و درست کردن» مشتق شده (Kümmel and Rix, 2001: 304) و به همراه پسوند ماده‌ساز اولیه -nu آمده است. بارتلمه آن را صفت به معنای «عادل» و اسم مذکر تحت عنوان «ایزد عدالت و دادگستری» ترجمه کرده است (Bartholomae, 1904: 1516). گرشویچ نیز در بند ۷۹ مهریشت دو فرضیه برای ترجمه عبارت *rašnuš daiðe maēðanəm yahmāi rašnuš darəyāi* را بیان کرده است: یکی این که *rašnu-* همان ایزد رشن در نظر گرفته شود و «رشن» ترجمه شود و دیگر اینکه براساس بند ۱ کرده ۱۶ ویسپرد، در عبارت *rašnuš ātarš ciθrāšca rašnušca yazamaide* حالت رایبی جمع در نظر گرفته و «داوران» ترجمه گردد (Gershevitch, 1967: 223). اما پیرار نظر متفاوتی در این خصوص دارد و با در نظر گرفتن معنای «جهت‌دهی» برای واژه رشنو، آن را بیان درست متون آیینی می‌داند (Pirart, 2009: 221).

در زبان اوستایی، این واژه از ریشه *raz* به معنی «مرتب ساختن، ترتیب دادن، نظم دادن و راست کردن» مشتق شده است. ریشه *raz* خود مشتق از هندواروپایی (Indo-European) **reǵ-* (هندی باستان *rājiṣṭha*) به معنی «مرتب کردن یا آراستن» است (نیز نک. Pokorney, 1959: 1376). از جمله واژه‌های مشابه در دیگر زبان‌ها نیز می‌توان به کلمه لاتین *regere* به معنی مرتب کردن، منظم کردن، آراستن نیز از همین ریشه اشاره کرد (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۱۴۵۵). علاوه بر این، مهرداد بهار با تردید معنی لغوی *rašnav-* را تقوی یا درخشش عنوان کرده است (بهار، ۱۳۷۵: ۸۳).

گلدمن با اشاره به متن‌های اوستایی به زبان سانسکریت بر این باور است که نام ایزد رشن در متون مذکور به صورت *rašna-* آمده که به *satyapati* به معنی خدای راستی تفسیر شده است (Goldman, 2015: 24).

نام رشن (اوستایی -*rašnu*) با صفت *razišta-* (فارسی میانه *razistag*) به معنی «راست‌ترین»، در اوستای قدیم، اعم از گاهان و یسن هفت‌ها دیده نمی‌شود اما پنج بار در

یسنا مورد ستایش قرار گرفته است. (یسن ۱/۷، یسن ۲/۷، یسن ۱۶/۵، یسن ۱۳ و ۱۲/۶۵، یسن ۷۰/۳۰). البته عبارتی در یسن ۴۶ وجود دارد که در آن نام این ایزد به چشم می‌خورد. وجود عبارت *miθrōbiiō vā rašnā* در این یسن و آمدن مهر و رشن در کنار یکدیگر ممکن است شاهدی برای وجود نام این ایزد در اوستای قدیم باشد. در اوستای متأخر، نام ایزد رشن در کنار دیگر ایزدان بارها تکرار شده است و یشت دوازدهم اوستا نیز به او اختصاص دارد. نام این ایزد در نوشته‌های فارسی میانه به صورت *rašn* با صفت *rāst* آمده است که نقش برجسته‌ای به عنوان یکی از سه ایزد داوری روان بر عهده دارد. به علاوه در گاه‌شماری زرتشتی، هجدهمین روز ماه به روز «رشن» موسوم است.

در کنار ریشه‌شناختی، کارکردها و صفات متناسب به ایزد رشن نیز طیف وسیعی را دربر می‌گیرد.

کریستن سن (Christensen) بر این باور است که در جوامع شرق ایران، میثره (اوستایی *Miθra-*) به عنوان ایزد اصلی پرستیده می‌شد و گرد او ایزدانی چون رشنو (اوستایی *Rašnu-*)، سراوشه (اوستایی *Sraoša-*)، ورثرغنه (اوستایی *Vərəθrayna-*) و چند ایزد دیگر حضور داشتند. او اعتقاد دارد که یشت‌های کهن که هم‌اکنون در اوستای جدید وجود دارند، از نظر زمانی از متون گاهانی کهن‌تر هستند اما بعد از نگارش گاهان، برای تطبیق با مبانی دین زرتشتی در آنها تعدیل‌هایی به عمل آمده است (کریستن سن، ۱۳۵۵: ۳).

نیبرگ ضمن پذیرش نظر کریستن سن، در دسته‌بندی خود از ایزدان دین زرتشتی، رشنو را در کنار مهر، سروش، باد، بهرام و خورنه-چیستا در مجموعه خدایان انجمن میترا قرار می‌دهد (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۸۳). او رشنو را خدای سوگند یا آزمایش آتش می‌داند. به باور نیبرگ، واژه *uruuaθā* که در بند ۳ رشن یشت آمده نشان‌دهنده انجمن سوگند بوده است و از ریشه *var* به معنی برگزیدن، انتخاب کردن است. او این واژه را یار و همکار سوگند معنی کرده است (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۶۵-۶۴).

بویس رشن را تجسم اندیشه‌ای می‌داند که در اسم عام «رشنو» با معنای «داوری کردن» یا «کسی که داوری می‌کند» نهفته است. او با اشاره به این که در اسامی مقدس فارسی باستان در پایان سده پنجم پیش از میلاد از این ایزد با احترام یاد شده است، رشن را از ایزدان پیشازرتشتی می‌داند که با مهر پیوستگی داشته و همراه با «ارشتات» بیانگر جنبه‌های حقوقی و قضایی اهورا است (بویس، ۱۳۷۴: ۷۹).

اما پژوهشگرانی چون زَنر (Zahner) با توجه به بندهای سه تا پنج رشن یشت به این نتیجه رسیده‌اند که رشن لقبی برای اهورامزداست و گاهی نیز به عنوان لقب برای مهر به کار می‌رود. او با این دیدگاه که براساس گاهان، این اهورامزداست که داور روز رستاخیز و پل چینوت (اوستایی -*cinvat pərətu*) است، رشن را لقبی برای اهورا و میترا در دین اهورایی کهن می‌داند که در اوستای جدید به صورت ایزدی مستقل ظاهر شده است (زَنر، ۱۳۷۵: ۱۵۸). با این همه پورداود اعتقاد دارد که هر چند رشن یکی از ایزدان بزرگ است اما اطلاعات ما در خصوص وی نسبتاً کم است و بر همین اساس داوری درباره ماهیت رشن را دشوار می‌داند (پورداود، ۱۳۵۶: ۵۶۱).

در این مقاله برای بررسی دقیق و طبقه‌بندی این صفات، اشارات زرتشتی به ایزد رشن در قالب سه دسته متن متفاوت مطرح شده؛ به این صورت که شواهد مرتبط با واژه و ایزد رشن در متون اوستایی، فارسی میانه و متون جدید ارائه شده است.

۲. رشن در اوستا

پیش از این که به جایگاه رشن در متون اوستایی بپردازیم باید اشاره مختصری به جایگاه این ایزد در اندیشه‌های پیش‌زرتشتی داشته باشیم. براساس تحلیل پژوهشگران حوزه اساطیر هندواروپایی، یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های این فرهنگ این بوده است که هر نیروی ناپیدا را عینی تصور کنند. در حقیقت مردم روزگار باستان آن چه را ما تجریدی می‌انگاریم، نوعی نیرو و توانایی می‌پنداشتند. به طور مثال «عدالت» یا «شهامت» را نوعی نیرو و توانایی می‌پنداشتند. اما چگونگی تبدیل این توانایی‌ها به امور الهی و پرستش آنها بر ما پوشیده است (بویس، ۱۳۷۴: ۴۵).

برخی یافته‌ها نشان می‌دهد که رشن از جمله ایزدانی بوده که پیش از زرتشت نیز سابقه پرستش داشته است. در نبود نظریه‌ای قطعی در خصوص دین هخامنشیان، محققان اشارات موجود به برخی از ایزدان را در دوره هخامنشی با ادیان پیش‌زرتشتی مرتبط می‌دانند و از این رو، رشن را نیز از ایزدان پیش‌زرتشتی قلمداد می‌کنند. پژوهشگرانی مانند بنونیست (Benveniste) به نام‌هایی همچون *Rašnuk(k)a* و *Rašnudadā* در دوره هخامنشیان اشاره می‌کنند که از آشنایی مردمان آن دوران با این ایزد حکایت دارد (Benveniste, 1966: 91)؛ همچنین مطابق گزارش هَلک (Hallock)، *Rašnuk(k)a* در گل‌نشته‌های ۱۵۰۹، ۱۹۵۶، ۱۹۶۹^۱ و *Rašnudadā* در گل‌نشته‌های ۳۳۵ و ۲۰۰۳^۲ تخت جمشید وجود دارند (Hallock،

به علاوه مالاندرا (Malandra) نیز به نام‌های تئوفوریک^۳ در گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید اشاره می‌کند که نام این ایزد در آنها دیده می‌شود. به نظر او از اشتقاق و شیوه کاربرد برخی اسامی مانند رشنوک (Rašnuka)، رشنودات (Rašnudāta)، رشنوبَر (Rašnubar(a)) چنین برمی‌آید که رشن ظاهراً ایزدی متعلق به ایرانیان باستان بوده است (Malandra, 1983: 78).

به طور کلی در اوستای قدیم نشانی از ستایش ایزد رشن به چشم نمی‌خورد. اما وجود عبارتی در یسن ۴۶^۴ و همراهی مهر و رشن در کنار یکدیگر ممکن است طینی برای نام این ایزد در اوستای قدیم باشد. در اوستای جدید، نام این ایزد در کنار دیگر ایزدان زرتشتی آمده است و یشت دوازدهم اوستا نیز بدو اختصاص دارد.

رشن یشت از جمله یشت‌های کوچک است که در دوره متأخر تدوین شده، اما درباره تاریخ دقیق تدوین این یشت نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر کرد. این یشت فاقد زند و مشتمل بر ۳۸ بند است. به علاوه در یسنا و برخی یشت‌های بزرگ اوستا مانند فرودین یشت و بهرام یشت نیز از ایزد رشن نام برده شده است. در ارد یشت (۱۷/۱۶)، رشن پسر اهورامزدا و آرمیتی و برادر سروش، مهر، اشی و دئنا است. در وندیداد نیز چندین بار به نام این ایزد اشاره شده است. بنا بر بندهای پنجاه و چهار و پنجاه و پنج از فرگرد چهارم وندیداد، رشن بر مراسم آیینی سوگند خوردن نظارت می‌کند که این مراسم شامل نثار آب گوگردار برای اثبات بی‌گناهی است. چند بند اول رشن یشت نیز شامل درخواست از رشن برای حاضر شدن در وَر (اوستایی - varah) است؛ اصطلاحی که به آزمایش آیینی اشاره می‌کند که توسط محاکمه‌شونده برای اثبات حقانیتش به کار گرفته می‌شود.

در یشت دوازدهم، رشن تشخیص می‌یابد و با صفاتی از قبیل پاک (اوستایی - ašauuan)، راست‌ترین (اوستایی - razišta)، مقدس‌ترین (اوستایی - spāništa)، داناترین (اوستایی - vaēdišta)، گزیننده‌ترین (اوستایی - viḍčōišta)، بهترین پرتاب‌کننده از دور (اوستایی - parakauuistama)، از دور بسیار بیننده (اوستایی - dūraēdaraštama)، اجراکننده قانون (اوستایی - arəθamaṭ. bairišta) و فروزننده دزدان (اوستایی - tāiiu- nijayništa) ستوده می‌شود.

به طور کلی با بررسی متون اوستایی می‌توان کارکردهای متفاوت این ایزد را در قالب چهار گروه اصلی طبقه‌بندی کرد^۵:

۱. نقش اصلی او که در اوستا و رشن یشت بر آن تأکید شده حضور در مراسم وَر (اوستایی - varah) است که در بندهای نه تا سی و هفت از رشن یشت به یاری فراخوانده

می‌شود. در بندهای پنجاه و چهار و پنجاه و پنج از فرگرد چهارم و نندیداد ۴ نیز به گونه خاصی از مراسم و شامل نثار آب گوگردار برای اثبات بی‌گناهی اشاره شده که در آن از رشن و مهر نام برده می‌شود.

وَر اصطلاحی است که به نوعی آزمایش آیینی اشاره می‌کند که توسط محاکمه‌شونده برای اثبات حقانیتش به کار گرفته می‌شود. در بند سه رشن یشت، اهورمزدا با زرتشت درباره چگونگی انجام وَر سخن می‌گوید.^۶

در دینکرد به سی و سه گونه آزمون وَر یا داوری ایزدی اشاره شده است که البته امروزه از چگونگی انجام گرفتن بیشتر آنها آگاهی نداریم. اما در بندهای ۳ تا ۷ رشن یشت به برخی از ورها از قبیل وَر آتش (اوستایی-ātar)، وَر برسم (اوستایی-barəsmān)، وَر [دست] پر لبریز (اوستایی-pərənā- vīzāraieint)، وَر روغن (اوستایی-raoyniā) و شیر گیاهان (اوستایی-āzuiti- uruuarā) اشاره شده است. پوردادود عقیده دارد که «منظور از ذکر این ورها آن است که مردمان باید در امتحانات سخت و محاکمات خطرناک، نجات خود را در ذکر کلام مقدس بدانند [...] و به فرشته عدل و انصاف متوسل شوند تا پیروزی و رستگاری نصیب آنها شود.» (پوردادود، ۱۳۵۶: ۵۷۳). در یشت دوازدهم اشاره شده که رشن بزرگ توانا همراه با باد پیروز (اوستایی-vāta- vərəθrājana)، دامویش اوپمن^۷ (اوستایی-dāmōiš upamana)، فره کیانی (اوستایی-kauuāiia- xvarənah) و سود مزداآفریده (اوستایی-saoka-mazdaδāita)، به یاری آن کس که آنها را در وَر فراخواند می‌آیند (یشت ۱۲/۶).

۲. نقش دیگری که براساس متون اوستایی می‌توان برای رشن متصور شد، جنگاوری و حضور و ستایش این ایزد در نبردها است. در مهر یشت (۱۰/۴۱)، رشن در کنار مهر و سروش درهم‌افکننده صفوف رزم تصویر می‌شود. در ادامه در بند ۱۲۶ همین یشت، گردونه مهر توصیف می‌شود که رشن در سمت راست و چپستا در سمت چپ مهر به جنگ دیوان، پیمان‌شکنان و انگره مینو می‌روند. توصیفات دیگری از این دست در فروردین یشت و بهرام یشت وجود دارد. در فروردین یشت (۱۳/۴۷)، رشن همراه با فروهرهای توانای پاکان، مهر، دامویش اوپمن و باد پیروزگر به میان سپاهسانی که با یکدیگر درنبردند می‌روند و یاری‌بخش گروهی هستند که فروهرها را از روی باور، با اندیشه هوشیار و ضمیر مومن می‌ستایند. در بهرام یشت (۱۴/۴۷) نیز به همراهی رشن، مهر و بهرام در میان جنگاوران در رزم اشاره شده است. علاوه بر این، برخی صفات همچون بهترین مانع (اوستایی-upa.raodišta- (۱۰/۱۲۶)، بهترین پرتاب‌کننده از دور (اوستایی-parakauuistəma- (۱۲/۷) و

بلندپایه نیرومند (اوستایی- amauuant- barəz) (۱۷/۱۶) که رشن با آنها ستوده می‌شود نیز گویای وجه جنگاوری او هستند.

۳. علاوه بر وجه داوری و حضور در رزم، می‌توان نقش اجتماعی دیگری را برای این ایزد متصور شد. مطابق این کارکرد، ایزد رشن در کنار برجیه (اوستایی- barəjīia) ایزد موکل دانه‌ها و غلات و نماییه (اوستایی- nmāniia) ایزد موکل خانه نقشی مشابه آنها ایفا می‌کند.^۸ این نتیجه‌گیری بر این اساس صورت پذیرفته است که در یسنا (۱/۷) رشن با صفت راست‌ترین در کنار اشتهین اشون، برجیه و نماییه و همراه با سروش و ارشئات ستوده می‌شود. از این رو می‌توان او را نیز در کنار آن دو ایزد با کارکردهای اجتماعی خانواده مرتبط دانست.

۴. در کنار این موارد، مطابق برخی از متون، رشن در نگهبانی و محافظت از گیتی و آفریدگان اهورامزدا نیز مشارکت دارد. او در سراسر جهان اعم از هفت کشور، دریای فراخکرد، سرچشمه و دهانه رود ارنگ (اوستایی- raŋha)، همه جای زمین، بر فراز کوه البرز و هوکر، در بلندترین نقطه کوه البرز، در همه افلاک (ونند، تیشتر، هفتورنگ، ستارگان آب‌چهر، ستارگان زمین‌چهر، ستارگان گیاه‌چهر، ستارگان سپند مینو، ماه و خورشید)، در روشنایی‌های بی‌پایان (اوستایی- anayra.raocah)، بهشت (vahišta- ahū) و گردمان (garō.nmāna) منزل دارد. براساس مهر یشت (۱۰/۹۵-۱۰۰)، مهر و سروش و رشن شبانگهان در زمین می‌گردند و اهریمن و خشم و دیوان و دروجان از برابرشان می‌گریزند. از رشن یشت چنین برمی‌آید که این ایزد یاری‌دهنده بی‌گناهان و از بین‌برنده دزدان و راهزنان است.

برخلاف متون فارسی میانه که نقش اصلی رشن، به عنوان یکی از داوران در فرجام‌شناسی فردی پس از مرگ برجسته است، در رشن یشت هیچ اشاره مستقیمی به خویشکاری او به عنوان یکی از داوران روز رستاخیز نشده است؛ البته به نظر می‌رسد می‌توان اشاراتی را که در این یشت به آیین وَر شده با موارد اشاره به رودخانه‌ای از فلز گذاخته در گاهان (یسن ۵۱/۹، ۳۲/۷، ۳۰/۷) مرتبط دانست؛ چراکه مطابق متن گاهان، افراد باید از رودخانه فلز مذاب عبور کنند تا نیکوکاران سالم از آزمایش به درآیند. فرآیندی که به آزمایش متهم برای اثبات حقانیتش در آزمون وَر شباهت بسیاری دارد.

۳. همراهان رشن

در اوستا سه ایزد رشن، مهر و سروش سه‌گانه‌ای جدانشدنی را تشکیل می‌دهند. این سه ایزد تا روز رستاخیز برای داوری همواره در کنار هم هستند و یشت‌ها و روزهای متعلق به آنها نیز در کنار یکدیگر قرار گرفته است. نکته جالب توجه این است که در رشن یشت هیچ ذکری از مهر و سروش همراهان همیشگی این ایزد به میان نیامده است. نوشته‌های فارسی میانه نیز موارد مکرری از همراهی این سه ایزد را نشان می‌دهند. به طور مثال، مطابق کرده ۶۰ از کتاب سوم دینکرد

چشم مرد پارسا، از راه چشم با خوب‌چشمی خورشید دومین است و هم‌سازگار با ایزد است؛ گوش مرد پارسا، از راه گوش، زمانی که در خوب‌نیوشیدن همچون سروش هم‌سازگار با ایزد است؛ زبان مرد پارسا، و از راه زبان، زمانی که در راست‌گفتاری هم‌تراز رشن است، هم‌سازگار با ایزد است (فضیلت، ۱۳۸۱: ۱۰۳)

علاوه بر این سه‌گانه مشهور که در متون اوستایی و فارسی میانه به دفعات دیده می‌شود، نام رشن در کنار ایزدان دیگری نیز آمده است؛ ترکیب‌های سه‌تایی که نشان از همراهی این ایزد با دیگر ایزدان دارد. نام رشن در کنار مهر و ورثرخنه در بهرام یشت (۱۴/۴۷)، سروش و ارشتات در یسن ۱/۷ و یسن ۲/۷ و ارشتات و کلام راست‌گفته‌شده (اوستایی - aršuxδa- vacah) در رشن یشت (۱۲/۳۸) به کار برده شده است. به علاوه، در کنار ترکیب‌های سه‌تایی نام ایزد رشن در برخی منابع اوستایی و فارسی میانه در کنار سه ایزد دیگر در قالبی چهارگانه ذکر شده است. به طور مثال، در فروردین یشت (۱۳/۳) رشن با اهورامزدا، مهر و سپنتا آرمئیتی همراه است، در مهر یشت (۱۰/۱۲۶) ترکیب رشن، مهر، چیستا و دامویش اوپمن به کار رفته است و در بندهش نیز رشن در کنار اشتاد، زامیاد و مرداد و همچنین همراه با سروش، اشتاد و زامیاد دیده می‌شود.

رشن در برخی گروه‌های پنج‌تایی از ایزدان نیز حضور دارد؛ چنان‌که در یسن ۱۲/۶۵ رشن، سروش، مهر، آذر و اپام نپات در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، در یسن ۷۰/۳ نام رشن، سروش، مهر، باد، دئنا در کنار یکدیگر آمده است، در یشت ۱۲/۶ به همراهی رشن، باد، دامویش اوپمن، فرّه کیانی و سود مزداآفریده اشاره شده است، در دادستان دینی (۳۰/۱۰) نام رشن، اورمزد، بهرام، مهر و سروش ذکر شده است و در ارداویراف‌نامه (۵/۳) به رشن، مهر، وای به، بهرام و اشتاد به صورت یک گروه از ایزدان اشاره شده است.

۴. رشن در نوشته‌های فارسی میانه

رشنو در نوشته‌های فارسی میانه به صورت «رشن» همراه با صفت راست (rāst) آمده است. مطابق بندهش، رشن سیزدهمین ایزدی است که آفریده شده است (بهار، ۱۳۶۹: ۳۷). کارکردهای رشن در متون فارسی میانه نیز مانند متون اوستایی قابل دسته‌بندی است. این نقش‌ها قابل مقایسه با کارکردهای این ایزد در متون اوستایی هستند و البته در گذر زمان تغییراتی داشته‌اند. براساس متون فارسی میانه می‌توان نقش‌ها و کارکردهای رشن را در قالب شش گروه اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱. نخستین کارکرد ایزد رشن در متون فارسی میانه ظاهراً ادامه نقش این ایزد به عنوان داور و در متون اوستایی است. بنا به گزارش گلدمن، این کارکرد رشن در وجرکرد دینی^۹ و دینکرد^{۱۰} مورد اشاره قرار گرفته است (Goldman, 2015: 29).

۲. اما در کنار کارکرد پیش‌گفته، مهمترین نقش ایزد رشن در متون فارسی میانه حضور او در کنار مهر به عنوان یکی از داوران روان در گذشتگان است. این ایزد دارای ترازوهای زرد زرین (tarāzūg ī zard ī zarrēn) است که کارهای نیک و بد هر فرد را اندازه می‌گیرد. این ترازو به هیچ سمتی، نه به سوی کارهای نیک و نه به سمت کارهای بد، نه برای ایزدان و نه برای دیگر قانونگذاران متمایل نمی‌شود. به گزارش نوشته‌های فارسی میانه، ترازوی رشن به اندازه سر مویی جابجا نخواهد شد و هیچ‌گونه جانبداری در آن نخواهد بود. بر سر پل چینوت، مهر و سروش و رشن به عنوان داوران روز جزا حضور دارند و محاکمه شخص در حضور آنها انجام می‌شود. اعمال در ترازوی رشن سنجیده و تصمیم نهایی در مورد نیکوکاران و بدکاران و کسانی گرفته می‌شود که کرفه و گناهشان یکسان است. اگر کارهای نیک فرد بیشتر باشد به بهشت و اگر کارهای بد او بیشتر باشد به دوزخ رهنمون خواهد شد.

ترازو در فرهنگ همه اقوام به عنوان نماد سنجش، عدالت و تعادل شناخته شده است. در بافت اجتماعی، ترازو نشان‌دهنده قدرت شاهانه است و همچنین به عنوان نماد قضاوت، نشان‌دهنده عدالت الهی است. در دین زرتشتی ترازو ابزار سنجش اعمال و نمادی از عدالت و سنجش دادگرانه است و موکل این ترازو رشن راست است. (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۸: ۳۳۸)

در مینوی خرد، پرسش ۱ بندهای ۱۱۸ تا ۱۲۲ درباره رشن و همراهانش در روز واپسین آمده است:

[...] و با میانجیگری مهر و سروش و رشن. رشن عادل [اعمال او را] می‌سنجد؛ با ترازوی مینوی که به هیچ سوی گرایش ندارد؛ نه برای مؤمنان و نه برای کافران، نه برای سروران، نه برای فرمانروایان و به اندازه تار مویی منحرف نمی‌شود و آزمون ندارد (=ملاحظه نمی‌کند) و سرور و فرمانروا را با خردترین مردم در داوری یکسان به شمار می‌آورد (تفضلی، ۱۳۵۴: ۱۲).

ارداویراف نیز رشن را هنگام عبور از پل چینوت چنین توصیف می‌کند: «...من ارداویراف دیدم رشن راست را که ترازوی زرد زرین به دست داشت، [کارهای] اهلوان و دروندان را اندازه می‌گرفت.» (ژینیو، ۱۳۹۰: ۵۳)

در بندهش، علاوه بر داوری پس از مرگ، نظارت بر داوری این جهانی نیز از وظایف رشن است که پیوند میان کارکرد رشن در دو دوره اوستایی و میانه را (به عنوان داور ور) نشان می‌دهد. او مینوی راستی است که با صفت بی‌خواب توصیف شده است. بنا به روایت بندهش «رشن مینوی راستی است که این آنچه را نافرینتگی است سامان داده است. زیرا از مینوی راستی است که دیوان نابودگر آفریدگان گیتی را نمیرانند. [رشن] روان مردمان را نیز به گناه و کرفه آمار کند. چنین گوید که «داور [چون] داوری دروغ کند، رشن آن جا را جای [مناسب خویش] نبیند.» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۱۶)

در بندهش همچنین اشاره می‌شود که چینوت پل^{۱۱} (=پل جداکننده) به مانند دو بازوی ایزد رشن است که یک بازوی آن در بن البرز در شمال و بازوی دیگر در سر البرز در جنوب قرار دارد. پس از گذشتن سه شب اول پس از مرگ، روان را تا بن کوه البرز می‌برند تا از آن پل عبور کند و به اوج آن قله برسد. براساس این روایت، شانه‌های ترازوی عدالت ایزد رشن، که در پهلوی یوغ خوانده می‌شود، رشته کوهی است که یک سر آن در شمال زمین و سر دیگر آن در جنوب زمین به کوه البرز، که پیرامون زمین است می‌چسبد و شاهین آن ترازو، چگاد دائیتی است که درست در میانه این رشته کوه قرار دارد (بهار، ۱۳۶۹: ۱۲۹).

همچنین در کتیبه‌های دوره ساسانی نیز اشاراتی در این زمینه دیده می‌شود. به طور مثال در کتیبه کرتیر در سرمشهد آمده است که او با شهریاری مواجه می‌شود که ترازویی در دست دارد. محققان بر این باورند این شهریار همان رشن است که وظیفه سنجش اعمال مردمان پس از مرگ به عهده اوست (Gignoux, 1991:84). به علاوه استودانی در حوالی شهر سبز ازبکستان یافت شده است که در ردیف بالای آن موجودات الهی و نیز رشن ترازودار حضور دارند. به نظر می‌رسد این تصویر مربوط به چهارمین روز پس از مرگ است که در آن رشن

در حال آمار روان است؛ در همان حال موبدی برسم به دست و پنام به دهان برای متعادل کردن ترازو دست بر کفهای نهاده که روان در آن است^{۱۲} (Grenet, 2013:98-99).

۳. نقش دیگری که در برخی متون فارسی میانه به آن اشاره شده، نقش ایزد رشن در رویدادهای پایان جهان است. بنابر زند بهمن یسن، رشن راست به همراه مهر فراخ چراگاه، سروش دلیر، بهرام نیرومند، اشتاد پیروزگر و فره دین مزدیسنان، پشتون گشتاسپان^{۱۳} را در پایان جهان یاری می‌دهند (راشد محصل، ۱۳۷۰: ۱۵). علاوه بر این در مینوی خرد، به مینوی عدالت، که به هیچ کس دروغ نمی‌گوید، اشاره شده است که در پایان جهان همراه با سروش، مهر، زروان بیکران، بخت و بغ-بخت همه آفریدگان اهرمن و در پایان دیو آز را از میان می‌برند (تفضلی، ۱۳۵۴: ۲۲). در بند ۲۸ پاسخ پرسش ۳۹ از روایت امید آشوهیستان نیز به مینوی دادستان اشاره شده که روح درگذشتگان توسط او حمایت می‌شود که به نظر می‌رسد می‌توان مینوی دادستان را معادلی برای ایزد رشن به حساب آورد^{۱۴} (صفای اصفهانی، ۱۳۷۶: ۲۳۷-۲۳۶).

۴. رشن در کنار دیگر ایزدان، محافظ آفریدگان اورمزد است و در این راه با اهریمن و دیوان پیکار می‌کند. مطابق تحلیل مهرداد بهار در پژوهشی در اساطیر ایران

پیدا است که هر شب اهریمن و دیوان و دروجان برای میراندن آفریدگان هرمزد از دوزخ بتازند. چون خورشید فرو شود، هرمزد، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد، مهر، سروش، رشن ایزد و ایزدان بیشتری [آیند]، کوشش و کارزار با اهریمن، دیوان و دروجان کنند (بهار، ۱۳۷۵: ۲۹۵).

این گزارش که بر مبنای متون پهلوی صورت گرفته است، کارکرد ایزد رشن را به عنوان نگاهبان آفریده‌های اهورامزدا نشان می‌دهد و با کارکرد مشابه در دوران اوستایی قابل مقایسه است.

۵. براساس بندهش، رشن از ایزدانی است که در آفرینش و پرورش گیاهان شرکت دارد و همراه با اشتاد و زامیاد به امرداد یاری می‌رساند. بر این اساس، اهورامزدا سه ایزد رشن، اشتاد و زامیاد را به یاری و همکاری امرداد آفرید، مینوی گیاهان را امشاسپند مرداد به پیکر مادی درآورد و همکار او در این خویشکاری ایزدان رشن، اشتاد و زامیاد بودند. از این رو همکاری رشن با مهر که آب‌ها و گیاهان در رکابش می‌تازند^{۱۵}، اتفاقی نیست چراکه رشن ایزدی است که در فلک ستارگان حامل نطفه گیاهان (ستارگان گیاه‌چهر) نیز حضور دارد. نکته جالب توجه این است که این سه ایزد در روز جزا بر پل چینوت نیز با یکدیگر

همکاری دارند؛ هنگامی که رشن روان را آمار کند، اشتاد و زامیاد روان را به ترازو بگذرانند. می‌توان این همکاری مشترک در داوری و نگهداری از گیاهان را حاصل آمیزش باورهای آخرت‌شناختی جدید و نظرگاه‌های اسطوره‌ای پیشازرتشتی دانست که باززایی و رستاخیز انسان را براساس مشابهت با گیاهان تصویر می‌کردند.

۶. بنا بر دینکرد سوم، رشن راست‌گفتار در پشیمان کردن مردم از گناه در جهان مادی موثر است. (فضیلت، ۱۳۸۴: ۲۵۷) به این ترتیب، رشن نه تنها در مقام داور روان مردگان ظاهر می‌شود بلکه به نوعی رسالت هدایت آنها را نیز بر عهده دارد و در کنار داوری سختگیرانه و بدون اغماض، پیش از مرگ تلاش می‌کند مردمان را به سوی رستگاری سوق دهد.

۷. البته در کنار پنج کارکرد اصلی بالا، می‌توان به برخی از نقش‌های فرعی ایزد رشن در متون فارسی میانه نیز اشاره کرد. این کارکردها بیشتر به عنوان روز رشن مرتبطند و براساس نوعی نتیجه‌گیری غیر مستقیم به دست آمده‌اند. به طور مثال، در روایات داراب هرمزدیار آمده است که

اندر دین به پیداست که در هر ماهی پنج روز میزد کردن بر هیربدان و بهدینان فریضه است. آن پنج روز این است: مهر روز و رشن روز و بهرام روز و اشتاد روز و انیران روز. این هر پنج روز میزد البته باید کردن و میزد آن را گویند که هر کدام میوه آورند و آن میوه را در پیش زوت نهد و آفرینگان بخشنومین آن روز کند بنا آن کس کنند که میزد می‌فرماید و اول میوه که باشد بدست راست زوتی نهد، پس آفرینگان کند (هرمزدیار، ۱۹۲۲: ۱۳۶۱).

بر این اساس می‌توان به نوعی از ارتباط میان ایزد رشن و فرآیند نثار فدیه اشاره کرد. همچنین مطابق بخشی از *شایست نشایست* (۲۲/۱۸) برای نام هر روز دعایی خاص وجود دارد. دعای خاص روز رشن چنین است که «رشتت پروانه (=راهنما و راهبر) به بهشت بامی (=روشن و درخشان) باد»^{۱۶} به علاوه در تعالیم مغان، به خویشکاری سی روزه ماه اشاره شده و گفته شده که در روز رشن، زندگی را به شادی گذار و به نیکی و دینداری آنچه خواهی کن. (زهر، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

۵. رشن در ودا، متون هندی باستان و عیلام / ایلام

رشن یکی از ایزدان اختصاصی ایرانی است و در وداها معادل مستقیمی ندارد. اما در یکی از معدود تلاش‌های جدی برای یافتن مشابهتی میان این ایزد با خدایان هندی، دومزیل

کوشیده است رشن را براساس ریشه‌شناسی واژگانی نادرست با ویشنو مرتبط سازد (دومزیل، ۱۹۵۳: ۱۱-۱۰). مالاندرا نیز با مقایسه کارکردهای ایزدان در متون ودایی و نیز ترکیب دوتایی (dvandva) میتره و ورونه، رشن را با ورونه مرتبط کرده است و ترکیب مهر و رشن در اوستا را یادآور ترکیب میتره- ورونه در وداها می‌داند. او با استناد به نام *mitrṛšn* که از دوران پارسی باقی مانده است، می‌کوشد وجود ترکیب دوتایی این دو ایزد را نشان دهد. البته مالاندرا به نبود نام رشن در زبان هندی باستان نیز اشاره کرده است و به کار رفتن نام‌هایی چون رشنوک (Rašnuka)، رشنودات (Rašnudāta) و رشنوبر (Rašnubar(a)) در گل‌نیشته‌های باروی تخت جمشید را نشانه‌ای از تعلق رشنو به ایران باستان می‌داند. (Malandra, 1983: 78). با این حال، زرنر با استناد به یسن هفت‌ها و نیز ترکیب‌های دوتایی اهورا- میتره در مهر یشت، اهورا را با ورونه قابل مقایسه می‌داند و دیدگاه مالاندرا را در مقایسه میان رشنو و ورونه نمی‌پذیرد. از دید او ورونه ریگ ودا و اهورامزدای یسن هفت‌ها مشتقات هندی و ایرانی یک خدا به حساب می‌آیند (زرنر، ۱۳۷۵: ۹۰-۹۲).

البته صرف نظر از وجوه زبانی، از منظر کارکردی می‌توان مشابهت‌هایی میان رشن و ورونه یافت. بویس در کتاب *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها* اشاره کرده است که «نزد اقوام هندواروپایی قول و نگاه داشتن حرمت آن بسیار اهمیت داشته است. ظاهراً آنها قائل به دو قول بوده‌اند: یکی سوگند رسمی یا ورونه (احتمالاً از ریشه فعلی هندواروپایی *ver به معنی «بستن و گره زدن») که با ادای این سوگند، فرد خود را موظف به انجام دادن یا انجام ندادن کاری می‌کرد و دیگری توافق یا پیمان موسوم به میتره (احتمالاً از ریشه هندواروپایی *mei به معنی «مبادله کردن») که طرفین به وسیله آن بر سر چیزی با هم توافق می‌کردند. اقوام باستانی در قول‌هایی که بر زبان می‌راندند نیرویی پنهان می‌دیدند که این نیرو را به منزل ایزدی شناختند که شخصی را که پای حرف خود می‌ایستاد تأیید و تقویت می‌کرد و دروغ‌زن پیمان‌شکن را با انتقامی دهشتناک نابود می‌ساخت. این انتقام از طریق آزمایشی آیینی در معرض دید همگان قرار می‌گرفت و متهم برای اثبات حقانیتش ناچار بود به آزمایش آب (مربوط به سوگند) و آزمایش آتش (مربوط به پیمان) تن دهد.» (بویس، ۱۳۸۱: ۳۱)

به علاوه شباهت آزمایش‌های آیینی باستانی در هند به آیین ور و حضور رشن در این آیین نیز در خور توجه است. البته ورونه در آزمایش آب و میتره در آزمایش آتش حضور دارند و این دو ایزد داوران این آزمون سخت هستند. در حالی که کارکرد مرتبط با داوری ور در متون اوستایی و فارسی میانه بر عهده ایزد رشن است.

با آنکه کارکردهای رشن و اشتقاق واژگانی نام او به تمامی متعلق به ایرانیان است، اما حضور محوری سوگند در باورهای پیشین امکان ردیابی برخی از عناصر مندرج در تصویر ایزد رشن در دیگر چارچوب‌های خداشناسی را نیز فراهم می‌کند. به طور مثال، ترکیب سه‌گانه اینشوشینک، ایشنیکرب و لگمل در میان ایزدان عیلامی/ایلامی از برخی جهات از یک سو یادآور همراهی رشن و مهر و از سوی دیگر رشن و ارشتات پس از مرگ است.^{۱۷} جالب آن که اینشوشینک و ایشنیکرب خدای سوگند در عیلام/ایلام بوده‌اند و در محکمه به نام این دو ایزد سوگند می‌خورده‌اند. امری که آشکارا یادآور نقش رشن در محاکم زرتشتی است. به علاوه در باورهای مردم عیلام/ایلام، اینشوشینک سرور قلمرو مردگان نیز بوده است و ایزد بانو ایشنیکرب در جهان داوری نزدیک‌ترین دستیار اوست که به همراه ایزدبانو لگمل در دنیای مردگان به استقبال فرد در گذشته می‌روند (هیتس، ۱۳۸۷: ۵۷). این کارکرد نیز با نقش ویژه رشن در متون فارسی میانه شباهت قابل توجهی دارد. به علاوه در میان مردم عیلام/ایلام نیز داوری و ور وجود داشته که خدای رود شازی (Shazi) در نظام دادرسی آنها، عنوان «داور ور» را داشته است (هیتس، ۱۳۸۷: ۵۹). البته برای چنین مقایسه‌هایی منابع کافی در اختیار پژوهشگران نیست و نمی‌توان به صرف برخی شباهت‌ها از نزدیکی کامل این تصاویر سخن گفت.

۶. رشن در ادبیات فارسی جدید

با آن که پس از ورود اسلام به ایران باورهای خداشناسانه و جهان‌شناختی زرتشتی جای خود را به دیدگاه‌هایی تازه داده‌اند اما می‌توان آثار باورهای پیشین را در ذهن و زبان ایرانیان مسلمان نیز شناسایی کرد. این امر در بعضی از متون قدیم دیده می‌شود و نیز برخی اشارات به نام ایزد رشن در ادبیات فارسی قابل مشاهده است. البته تا جایی که نگارنده جستجو کرده، در هیچ یک از متون و اشعار به کارکردهای این ایزد اشاره‌ای نشده است.

به طور مثال، ابوریحان بیرونی در *آثارالباقیه عن القرون الخالیه* در فهرست روزهای ایرانی، این ایزد را رشن خوانده (بیرونی، ۱۳۲۱: ۶۷) که در زبان سُغدی رشن‌یح و در خوارزمی رشن‌یح خوانده می‌شود (بیرونی، ۱۳۲۱: ۷۳-۷۲).

شعرای ایرانی نیز نام این ایزد و نیز روز متعلق به او را به صورت «رشن» و «رشن» در اشعار خود آورده‌اند.

دوران جدید و متون پژوهشی معاصر نیز از اشاره به نام و کارکرد ایزد رشن خالی نیستند. به طور مثال، در فرهنگ دهخدا/ ذیل مدخل رشن، این واژه به روز هیجدهم از هر ماه شمسی نسبت داده شده است. دهخدا همچنین با اشاره به شماری دیگر از فرهنگ‌ها آورده است که رشن نام فرشته‌ای است که تدبیر امور و مصالح روز رشن با اوست.

۷. نتیجه‌گیری

از آن چه شرح داده شد به نظر می‌رسد که رشن از ایزدان پیش‌زرتشتی است. نام این ایزد در میان اسامی خاص گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید به چشم می‌خورد. یشت دوازدهم اوستا در ستایش او سروده شده است و با بررسی متون اوستایی می‌توان کارکردهای متفاوت این ایزد را در قالب چهار گروه اصلی طبقه‌بندی کرد: حضور در مراسم آیینی و، حضور در نبردها در کنار مهر و سروش، کارکرد اجتماعی این ایزد در کنار برجیه و نماییه و حفاظت از آفریدگان اهورامزدا. نقش این ایزد در نوشته‌های فارسی میانه، در ادامه نقش‌های او در اوستاست. از میان این کارکردها می‌توان شش نقش کلیدی برای رشن برشمرد: نخست، مهمترین نقش رشن حضور در روز جزا به عنوان یکی از ایزدان داوری روان است. دوم، او به همراه ایزدانی همچون مهر، سروش، بهرام، اشتاد و فره دین مزدیسنان یاری‌دهنده پشوتن گشتاسپان در پایان جهان است. سوم، حضور در مراسم وریا بساخت است. چهارم، نقش این ایزد به عنوان یکی از محافظان آفریدگان اورمزد است که در اوستا و نوشته‌های فارسی میانه به آن اشاره شده است. پنجم، رشن از ایزدانی است که در آفرینش و پرورش گیاهان حضور دارد و همراه با اشتاد و زامیاد به امشاسپند امرداد یاری می‌رساند و در نهایت آن که این ایزد در پشیمان کردن مردم از گناه در جهان مادی موثر است. رشن هیچ معادل مستقیمی در متون ودایی و عیلامی/ایلامی ندارد اما از نظر کارکرد و حضور در آیین و ر می‌توان مشابهت‌هایی میان او و ورونه یافت. در تمدن عیلام/ایلام نیز کارکردهایی مشابه رشن در ایزدان دیده می‌شود. ابوریحان بیرونی به حضور این ایزد در گاه‌شماری ایرانیان، سغدیان و مردم خوارزم اشاره کرده است. در اشعار شعرا نیز به روز «رشن» یا «رش» اشاره شده است.

پی‌نوشت‌ها

2. PF 335:7, PF 2003: 2

۳. از ریشه یونانی theoforetos به معنی دربرداشتن نام یک خدا. سبکی در نامگذاری است که در آن نام خدا یکی از اجزای نام شخص به شمار می‌رود. این سبک نامگذاری در میان اقوام بابل و آشور باستان و همچنین در میان فنیقی‌ها، عبری‌ها و اعراب با نام‌هایی چون آشور بان‌پال (آشور فرزند را آفرید)، هانیپال (لطف بعل)، عبدا... (بنده خدا) وجود داشته است. در ایران نیز اسامی مانند مهرداد ظاهراً از همین ساختار برخوردارند.

۴. نگاه کنید به یسن ۴۶، بند ۵. عبارت مذکور این است: ... miθrōibiio vā rašnā....

۵. لئون گلدمن در کتاب خود درباره رشن یشت، به سه مورد نخست از این کارکردها اشاره کرده است (Goldman, 2015:28).

۶. درباره ور یا پساخت پژوهش‌های زیادی انجام شده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص نگاه کنید به ویسپرد به گزارش شادروان پورداود، صفحات ۱۷۲-۱۲۰؛ نیز مقاله Trial by ordeal in Ancient Iran نوشته J. C. Tarapore در یادنامه پروفیسور جکسن تحت عنوان Prof. Jackson Memorial Volum صفحات ۱۹۸-۱۸۷.

۷. نیبرگ با اشاره به برخی بندهای مهریشت و فروردین یشت و صفات و نقش‌های مشترک دامویش اوپمنه و ورثرغنه آنها را یکی می‌داند (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۷۶).

۸. گرشویچ به مضمون مشابهی اشاره کرده است (Gershevitch, 1967: 223).

9. rašn rōz pad ēč ēwēnag drōzanīh ud frēfārīh nē kunišn ud kār ī xwurdag kam un ān wuzurg wēš handāz ud saxwan ī drō fradom nē ān rāst paymānīg gōwišn ud az war warzišnīh ud sōgand xwarišnīh ōh pahrēzišn.

در روز رشن، به هیچ آیین دروغزنی و فریفتاری نکن و کار خُرد کم و کار بزرگ بیش انداز. نخست سخن دروغ مگو و سخن راست میانه [گو] و از ور و سوگند خوردن پرهیز.

10. abar gar ān wināhīh sōgand ī drō xward... tar kardan-iz ī mihr srōš ud rašn rāy škeft ēbgat-petyārag ō xwēš tan zan ud frazand ud xwāstāg garān puhl ī ō xwēš ruwān paywastan.

بر گناهکاری گران سوگند دروغ خورد... برای خوار شمردن مهر، سروش و رشن، تازش شگفت اهریمن به تن، زن، فرزند و دارایی خویش کیفر گران به روان خویش پیوستن.

۱۱. پل چینوت در باور زرتشتی گذرگاه میان دو کفه ترازوی رشن ایزد است.

۱۲. در شایست نشایست (۱۷/۴) آمده است: «[در] شب سوم، [هنگام] سحر، سه درون باید یشت: یکی [برای] رشن [و] اشتاد، دو دیگر [برای] وای به؛ سدیگر [برای] اردافرورد...» (مزدآپسور، ۱۳۶۹: ۲۲۶)؛ پرسش ۲۹ دادستان دینی نیز در همین زمینه است (JaafariDehaghi, 1998:90).

۱۳. پشوتن پسر گشتاسب یکی از جاودانان در دین زرتشتی و دستیار سوشیانت است. در گنگدژ منزل دارد و در هنگام فرسگرد همراه با شاگردان خویش برای بازآرایی دین بیرون می‌آید و دشمن را از ایرانشهر باز می‌دارد.

14. ruwān-i šudagān i mēnōg-i dādestān pāyēd. dādār abar-š dāmān wistardag. uš amāwandīh ud ōzōmandīh har gyāg rasišnīg. az ān-i azērīgdom dušox tā ān-I abardom garōdmān. ōwōn ōzōmand ud amāwand i-š az hamāg gyāg har kas must ud adādīh abāz dāštan ud spōxtan tuwān.

روح درگذشتگان توسط «جوهر عدالت» که آفریدگار در سرتاسر خلقتش قرار داده حمایت می‌شود و او با نیرومندی و شدت تمام به همه جا راه دارد، از اعماق دوزخ گرفته تا متعالی‌ترین جایگاه بهشت. چنان قدرتمند و محتشم است که می‌تواند هر عذاب و بی‌عدالتی را نسبت به هر کس مهار نموده و یا از وی دور سازد.

۱۵. «از طرف راستش سروش نیک مقدس سوار است، از طرف چپش رشن برومند بلندبالا سوار است، گرداگرد از هر طرف [فرشتگان] آبها و گیاهان و فروهرهای پاکان می‌تازند.» مهریشت- بند ۱۰۰.

16. rašn-it parwānag bawād ō wahišt ī bāmīg

۱۷. شادروان مهرداد بهار به ارتباط میان ایزد مهر ایرانی و اینشوشینک اشاره کرده است (بهار، ۱۳۷۶: ۱۹۰).

کتابنامه

- بویس، مری (۱۳۷۴). تاریخ کیش زرتشت: اوائل کار. ترجمه: همایون صنعتی‌زاده. تهران: توس.
- بویس، مری (۱۳۸۱). زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها. ترجمه: عسگر بهرامی. تهران: ققنوس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: انتشارات آگه.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: انتشارات فکر روز.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۲۱). آثار الباقیه عن القرون الخالیة. ترجمه: اکبر داناسرشت. تهران: کتابخانه خیام.
- تفضلی، احمد (۱۳۵۴). مینوی خرد. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان فارسی.
- بندهش (۱۳۶۹). فرنیغ دادگی. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۷۰). زند بهمن یسن. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زنر، رابرت چارلز (۱۳۷۵). طلوع و غروب زرتشتی‌گری. ترجمه: تیمور قادری. تهران: نشر فرزین.
- زنر، رابرت چارلز (۱۳۷۶). تعالیم مغان. ترجمه: فریدون بدره‌ای. تهران: نشر توس.
- ژینیو، فیلیپ (۱۳۹۰). اراداویراف‌نامه. ترجمه و تحقیق: ژاله آموزگار. تهران: معین.

- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن (۱۳۷۸). *فرهنگ نمادها*. ترجمه و تحقیق: سودابه فضائلی. تهران: جیحون.
- صفای اصفهانی، زهت (۱۳۷۶). *روایت امید آشوهیستان*. تهران: نشر مرکز.
- فضیلت، فریدون (۱۳۸۱). *کتاب سوم دین کرد*، دفتر یکم. تهران: فرهنگ دهخدا.
- فضیلت، فریدون (۱۳۸۴). *کتاب سوم دین کرد*، دفتر دوم. تهران: مهرآیین.
- گریستن سن، آرتور (۱۳۵۵). *آفرینش زیانکار در روایات ایرانی*. ترجمه: احمد طباطبائی. تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- مزدایور، کتابون (۱۳۶۹). *شایست نشایست*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نیبرگ، هنریک سموئیل (۱۳۵۹). *دین‌های ایران باستان*. ترجمه: دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی. تهران: مرکز مطالعه فرهنگ‌ها.
- هرمز دیار، داراب (۱۹۲۲ م.). *روایات داراب هرمز دیار*. ۲ ج. تصحیح: ادوارد مانک‌جی رستم‌جی اونوالا. بمبئی: British India Press.
- هیستس، والتر (۱۳۸۷). *شهریاری ایلام*. ترجمه پرویز رجبی. تهران: نشر ماهی.
- یشت‌ها (۱۳۵۶). *ابراهیم پورداود*. به کوشش: بهرام فروشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- Bartholomae, Ch. (1904), *Altiranisches Wörterbuch*, Straßburg.
- Benveniste, E. (1966), *Titres et Noms Propres En Iranien Ancien*, Paris.
- Dumézil, G. (1953), “*Višnu et les Marut A Travers La Reforme Zoroastrienne*”, *Journal Asiatique*, Fascicule 1, pp. 1-24.
- Geldner, K.F. (1896), *Avesta, The Sacred Books of the Parsis*, 3 vol., Stuttgart.
- Gershevitch, I. (1967), *The Avestan Hymn to Mithra*, Cambridge.
- Gignoux, Ph. (1991), *Les Quatre Inscriptions du Mage Kirdīr. Textes et Concordance*, Paris.
- Goldman, L. (2015), *Rašn Yašt*, Wiesbaden.
- Grenet, F. et al. (2013), *The Silk Road, Central asia and China in The Everlasting Flame: Zoroastrianism in History and Imagination*, London
- Hallock, R.T. (1969), *Perspolis Fortification Tablets*, Chicago.
- Jaafari Dehaghi, Mahmoud (1998), *Dādestān ī Dēnīg*, Paris.
- Kümmel, M. and Rix H. (2001), *Lexikon der indogermanischen Verben, die Wurzeln und ihre Primärstambildungen*, Wiesbaden.
- Malandra, W. W. (1983), *An Introduction to ancient Iranian religion*, Minnesota.
- Pokorny, J. (1959), *Indogermanisches Etymologisches Wörterbuch*, Bern.
- Pirart, E. (2009), “*Le Rašn Yašt (Yt.12)*” In *Zarathushtra entre l’Inde et l’Iran*, Wiesbaden.